اسلام دين رحمت، محبت و برادري

اسلام دين رحمت، محبت و برادري

عفاف الحكيم

خداوند مي‌فرمايد : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ⋆ وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (سوره آل‌عمران ـ 102و103) (اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد از خدا آن گونه كه حق پرواكردن از اوست پروا كنيد و زينهار جز مسلمان نميريد ⋆ و همگى به ريسمان خدا چنگ زنيد و پراكنده نشويد و نعمت‌خدا را بر خود ياد كنيد آنگاه كه دشمنان [يكديگر] بوديد پس ميان دلهاى شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شديد و بر كنار پرتگاه آتش بوديد كه شما را از آن رهانيد اين گونه خداوند نشانه‌هاى خود را براى شما روشن مى‌كند باشد كه شما راه يابيد.)

ايمان بزرگترين خاستگاه در روابط بشري است زيرا مردم را از كوران دشمني و كين‌توزي به فراخناي رحمت و محبت و برادري، رهنمون مي‌گردد.

به همين دليل است كه خداوند تبارك و تعالي طي آيات كريمه اين نعمت و اين ارزش‌هاي والاي معنوي كه زندگي اجتماعي مؤمنان را دگرگون ساخته، به ايشان خاطرنشان مي‌سازد و يادآورشان مي‌شود كه تحولي كه آنرا از سرمي‌گذرانند بطور اتفاقي و در خلاء صورت نگرفته و حاصل مستقيم داده‌هاي ايماني ـ تمدني به عنوان آغازگر انسان جديدي است كه شيفته ارزش‌ها و چشم به راه چشم‌اندازهاي دانش و معرفت و كوشنده راه تقواي الهي و رفتارهاي ايده‌آل و ژرفاي حسّ انساني مي‌باشد.

اين انساني است كه تعصب‌ها و نژادپرستي‌ها را پشت‌سر گذارده و بر رسوبات جاهليت ـ به رغم سترگي آنها ـ شوريده و با برگرفتن سلاح ارزش‌هاي رباني ـ كه با قرارگرفتن در صدر اولويت‌هاي پيامبرخدا

(صلي‌ا‌ عليه و آله وسلم) و اهل بيت (عليهم‌السلام) و رهنمودهاي اجتماعي ايشان به عنوان راه ايده‌آل بناي همبسته اجتماعي و برقراري جامعه‌اي بهم پيوسته يك دل و متحد، جامعه‌اي با پوشش همدلي و عدالت و خردمندي و برادري ميان يكايك افراد آن بر عقل‌ها و دل‌ها چيره گشت ـ حركت خود را آغاز كرده است.

جامعه‌اي با اين كيفيت و چشم‌اندازها، ناگزير بايد برخوردار از پيوندهايي باشد كه ميان خود و خدا و رسالت خود از يك سو و ميان خود و ديگر افراد جامعه از سوي ديگر، ارتباط برقرار سازد.

از مهمترين روابط تربيتي و معنوي كه اين جامعه پس از ايمان به خداوند متعال و دين، نياز دارد گسترش ارزش‌هاي مهرورزي و محبت و برادري بمثابه شالوده مستحكم و قابل اتكايي است كه هر بنايي به آن استواري مي‌يابد زيرا ارزش‌هاي مزبور از ديدگاه اسلامي همچون روح در كالبدي است كه هرگز نمي‌تواند از آن بي‌نياز باشد چون وقتي راه خود را باز مي‌كنند تا به ميان رگ و ريشه جامعه جاري شوند، چنان در عمق و جان بخش‌هاي مختلف فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، سياسي و ... رسوخ پيدا مي‌كنند كه نمي‌توان ميزان انعكاس و پيامدهاي مثبت آنها را برآورد كرد.

سيره شريف نبوي و تحكيم ارزش‌ها :

سيره شريف نبوي همچون ستون فقرات رسالتي تلقي مي‌شود كه پيامبرخدا(ص) آنرا تقديم تمامي جهانيان كرد ؛ سيره نبوي ابزار مؤثر و كارآمدي براي ارايه الگو، نمونه و سرمشق از صاحب اين رسالت بزرگ (ص) و معياري در زندگي مسلمانان بشمار مي‌رود. همچنانكه با شاقول آن مي‌شود متعهدان و پاي‌بندان به اين رسالت را شناخت. چراغ روشني در سرتاسر زندگي بشريت و آيينه تمام عياري براي همه جهان و بازتابنده چهره و روح و گفته و كرده و اخلاق و ادب انسان بشمار مي‌رود. كسي كه پيگير حوادث و جريانات سيره نبوي در مكه مكرمة يا مدينه منوره باشد و كوشش‌هاي موفقيت‌آميزي كه پيامبر خدا (صلي‌ا‌ عليه و آله وسلم) در اصلاح و شكل‌دهي و بناي جامعه مسلمان و دولت اسلامي بعمل آورد مورد بررسي و مطالعه قرار دهد، درخواهد يافت كه از برجسته‌ترين گام‌هايي كه به وسيله آنحضرت (ص) برداشته شد، تحكيم اصول و قواعد سامان‌بخش رفتارهاي انساني در پرتو آموزه‌هاي الهي مربوط به نظم‌دهي به زندگي انسان و مشخص ساختن روابط وي با ديگران در راستاي تحقق اهداف وجودي او در اين جهان به بهترين و كاملترين شكل است.

از اينجاست كه به عظمت و اهميت داشته‌هاي خود پي مي‌بريم ؛ اخلاق مسلمان و آداب زندگي او، آدابي ربّاني و الهي است كه سرچشمه آنها نيز وحي است لذا همواره پابرجا و والا هستند و فراخور همه انسانها به رغم اختلاف در نژاد و جنس و زمان و مكان مي‌باشند ؛ اين اخلاق، اخلاقي عملي است كه هدف از آنها انطباق واقعي و بيان راههاي برخورداري و آراستگي به آنهاست. ريشه پاي‌بندي به آنها نيز در شعور و احساس انسان در نظارت و مراقبت الهي از اوست.

همچنانكه اصول مربوط به آنها نيز عقل سليم را قانع مي‌كنند و دل‌ها و وجدان‌ها را خشنود مي‌دارند زيرا تنها براساس ظاهر كرده‌ها و اعمال داوري نمي‌كنند و نيّت‌هاي دروني را نيز درنظر مي‌گيرند. روابط متعلق به اخلاق اسلامي همه كستره‌هاي زندگي را دربرمي‌گيرند زيرا از ويژگي همه جانبگي برخوردارند و زندگي آدمي از گهواره تا گور را در همه عرصه‌هاي داخلي، خارجي بشري شامل مي‌شوند ؛ انديشه اخلاق دارد، باور اخلاق دارد، دل اخلاق دارد، بدن نيز اخلاق دارد، اين اخلاق نيز نه مجرد و بدور از هرگونه تفسير و توضيحي، كه جنبه علت و معلولي دارد ؛ اخلاقي ميانه، متعادل و همه‌جانبه و دربرگيرنده دنيا و آخرت، روح و ماده، عقل و دل و حق و باطل است.

لذاست كه مي‌بينيم اخلاق و برخوردهاي مسلمانان، نقش بسزايي در تشرّف بسياري از افراد به دين اسلام دارد.

كسي كه به سيره و زندگي پيامبراكرم (ص) نظري افكند مي‌بيند كه آنحضرت (ص) با توان و مهارت‌هاي اخلاقي بالايي با مردم برخورد مي‌كرد و توانست دل پيرامونيان خويش و بلكه همه بشريت را تسخير كند و نزديكي و محبّت آنان را بخود جلب نمايد. از ايشان (ص) نقل است كه فرمود : «دوست داشتني‌ترين و نزديكترين شما به من در روز قيامت خوش‌اخلاق‌ترين شماست.»

و نيز فرمود (ص) : «مؤمناني از ايمان كامل‌تر برخوردارند كه اخلاق بهتري داشته باشند.»

و نيز فرمود : «در ترازوي [اعمال آدمي] چيزي از حُسن خلق سنگين‌تر نيست.»

جامعه اوليه اسلامي با اصول و ارزش‌ها و اخلاق والايي كه همدلي ميان همگان و از ميان برداشتن كين‌توزي‌ها و نيز گسترش ارزش هاي محبت و مهرباني و همدلي و دوستي و برادري ميان ايشان را در پي داشت، به اوج پيروزي و عظمت دست يافت.

اسلام شديدا در پي آنست كه محبت و برادري ميان همه مردم، ميان تمامي خلق‌ها با يكديگر گسترش يابد و تفاوت در نژاد و رنگ و زبان و وطن و طبقات و ... آنها را از يكديگر جدا نسازد. به رغم تفاوت در برخورداري از ثروت و مقام و موقعيت و برتري خدادادي هركدام بر ديگري، مجالي براي درگيري‌ها و نزاع‌ها و كين‌توزي‌ها باقي نماند.

زماني كه پيامبراكرم (صلي‌ا‌ عليه و آله وسلم) به مدينه مهاجرت كرد اولين اقدام او ايجاد همدلي با محوريت اطاعت از خدا بود چه ابتدا ميان [افراد دو قبيله] اوس و خزرج و در پي جنگ‌هاي سختي كه ميان آنها درگرفته بود، الفت و دوستي برقرار كرد. محبت ايشان نسبت به يكديگر افزون شد و دشمني‌ها كنار گذاشته شد و آنها با حضور اسلام، تبديل به برادران دوستدار و همدل و ياور و همرزم يكديگر گرديدند. خداوند متعال مي‌فرمايد : «وَاذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (سوره آل عمران ـ 103) (و نعمت‌خدا را بر خود ياد كنيد، آنگاه كه دشمنان [يكديگر] بوديد پس ميان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شديد.)

اين نعمت كاملي شد كه آنحضرت (ص) پيشكش مؤمنان كرد و فرمود : «اي گروه انصار! مگر شما را گمراه نديدم كه خداوند شما را به وسيله من هدايت كرد ؛ شما پراكنده بوديد و خداوند به وسيله من شما را گردهم آورد.»

به همين خاطر است كه مي‌گويند اولين معجزه‌هايي كه فراخوان به اسلام از همان ابتدا آنرا تجربه كرد، همين تحول و جذب شدنها در جامعه‌اي اسير خشونت و درگيري‌ها و نبردهاي فرسايشي بود و رسالت پيامبر رحمت موفق شد در مدت زمان اندكي، صلح و امنيت را در اين منطقه آشفته و پراكنده، برقرار سازد.

اصول و ارزش‌هايي كه رسول خدا(صلي‌ا علیه و آله وسلم) از آنها به عنوان قواعد سامان بخش رفتارهاي انساني سخن گفت و بدانها فراخواند، اصول و ارزش‌هايي است كه جامعه‌ها را و خلق و ملت‌ها را مي‌سازند ؛ آنها ارزش‌ها و اصولي هستند كه اگر جوامع معاصر ما بدانها پاي‌بند باشند و طبق آنها رفتار كنند همه عقب‌ماندگي‌ها و درگيري‌ها و خواري‌ها و پراكندگي‌های اين جوامع از ميان مي‌رود و از آنجا ارزش‌هاي رحمت و مودّت و دوستي و مهرباني و برادري و ديگر اخلاق و فضايل تمايزبخش مسلمانان، برآنها حكمفرما مي‌گردد ؛ اينك ما به قصد عموميت بخشيدن به روح الفت و همدلي ميان بخش‌هاي مختلف امت، نظري به سه ارزشي مي‌اندازيم كه در شكل‌گيري و پيدايش "خيرامة اخرجت للناس" (بهترين امتي كه براي مردم پديد آمد) سهم بسزايي داشتند.

يكم : اسلام دين بخشش و مهرباني :

اقتضاي صفت بخشش ومهرباني، برخوردار ساختن مردم از منافع و مصلحت‌ها حتي در صورت عدم تمايل خودشان است. واژه رحمت در قرآن كريم به معاني بسياري وارد شده است از جمله به معناي الفت و محبت ميان اهل ايمان چنانكه در اين سخن الهي مطرح شده است : «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (سوره الحديد ـ27) (و در دلهای كسانی كه از او پيروی كردند رأفت و رحمت نهاديم.)اين عاطفه انساني كه خداوند متعال آنرا در انسان بوديعه نهاد و از آن حمايت كرد و با آموزه‌هاي پيامبران به رشد و پرورش آن پرداخت تا به عنوان قاعده و اساس روابط افراد و گروهها با يكديگر درآيد، در واقع شالوده عقيده را تشكيل مي‌دهد زيرا هم قاعده ميان خدا و انسان و هم اساس رابطه ميان امت و پيامبر(ص) بشمار مي‌رود همچنانكه شالوده جامعه انساني مبتني بر اين قاعده است و نتيجتا از جمله صفات پيامبر رحمت و هدايت شمرده مي‌شود. خداوند متعال در توصيف پيامبرخدا(ص) و مؤمناني كه همراهش بودند مي‌گويد : «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاء بَيْنَهُمْ» (سوره الفتح ـ29) (محمد [ص] پيامبر خداست و كسانی كه با اويند بر كافران سختگير [و] با همديگر مهربانند...)

پيامبرخدا(ص) بطوركلي با مردم و بويژه با مؤمنان، بسيار مهربان بود لذا خداوند متعال چنين وصفي

از وي بعمل آورده، او را مورد ستايش قرار مي‌دهد و فضايلش را برمي‌شمارد : «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظّاً غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضّواْ مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران ـ 159) (پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.) و در سوره توبه می‌فرماید : «لَقَدْ جَاءكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (سوره التوبه ـ 128) (قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.)

عناصر اصلي رحمت و مهرباني :

اسلام پرشکوه‌ترین آیین‌هاي منجر به دوستي و همدلي و محبت را در جهت گسترش مهمترین و ارزنده‌ترین ابزارهاي پيوند مردم با يکديگر يعني : مهرباني و محبت و برادري، تشريع کرده است. از امام جعفرصادق (علیه‌السلام) روايت شده که فرمود : «از خداي بترسيد و در راه خدا برادران دوستدار و مهربان و نيکوي يکديگر باشيد و با همديگر رفت و آمد و ديدار داشته باشيد و ما را ياد کنيد و مسايل ما را زنده نگاه داريد.»

بنابراين انسان بايد در جهت تحکيم و تقويت عناصر محبت و رحمت به عنوان شالوده و اساس هرچيز و نيکي در خود بکوشد زيرا پروراندن عشق و محبت به خدا و به پيامبر و به اوليا و اهل بيت پيامبر در دل، يکي از اصول آيين اسلام است و بدون آن انسان به موجود تندخو و سختدلي تبديل مي‌شود که قادر به کنار آمدن با خود و ديگران نيست و مردم از پيرامون وي مي‌رمند. و از آنرو که اگر اين رحمت و مهر به درستي پرورانده شود، انگ خود را بر همه روابط و پيوندهاي انسان با آفريدگار و آفريده‌ها و حتي با حيوانات و جمادات، بجاي مي‌گذارد.

از اينجاست که با نگاهي گذرا به آموزه‌هاي ديني و متون اسلامي به ميزان توجه و پافشاري اسلام نسبت به پاکي و صفاي دروني مؤمن در جهت امکان برعهده‌گيري مسؤوليت‌هاي سترگ و ايفاي نقش مهم خود در اين زندگي، پي مي‌بريم زيرا درگيري‌هاي دروني مستلزم آلودگي جان به کينه و نفرت از ديگر افراد جامعه است و همه مي‌دانيم که کينه‌ها و کين‌ورزي‌ها چه آسيبي به پاکي و صفاي دلها وارد مي‌آورد ؛ کين‌توزي بيماري کشنده‌اي است که جان را مي‌خورد و آنرا تيره و تار مي‌سازد لذاست که مولاي متقيان حضرت علي (علیه‌السلام) مي‌فرمايد : «کين‌توزي پست‌ترين عيب‌هاست.» و در حديث ديگري، آنحضرت (ص) کسي را که خداوند متعال از بيماري کين‌توزي رهانيده است مژده زندگي آسوده و آرامي در انديشه و دل مي‌دهد و مي‌فرمايد : «هرکس کينه‌ها را بدور ريزد دل و مغز خود را آسوده است.»

لذا بايد به حال کساني که تنها به دليل اختلاف نظر يا تفاوت ديدگاه، دلهاي خود را سرشار از کينه و نفرت از ديگران مي‌سازند، افسوس و اندوه خورد. مؤمن همواره از ژرفاي دل از خداي خود مي‌خواهد تا

دل او را از كينه و دشمني نسبت به مؤمنان رهايي بخشد. خداوند متعال مي‌گويد : «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (سوره الحشر ـ 10) (پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان كه در ايمان آوردن بر ما پيشی گرفتند ببخشای و در دلهايمان نسبت به كسانی كه ايمان آورده‌اند [هيچ گونه] كينه‌ای مگذار پروردگارا راستی كه تو رئوف و مهربانی.)

ترديدي نيست كه دشمني‌ها، دين آدمي را تضعيف و كارآمدي وي را مي‌كاهند و تمام فكر و ذكر او را به ترديد و بي‌اعتمادي به ديگران مشغول مي‌سازند ؛ وقتي انسان درگير خصومت و جنگ با ديگران باشد در برابر دو گزينه قرار مي‌گيرد : يا بايد كوتاه بيايد و شكست را پذيرا شود و يا بيشترين زيان را به طرف ديگر وارد آورد كه هر دوي اين گزينه‌ها براي انسان مؤمن مشكل‌ساز است.

از اينجاست كه به ميزان تأكيد و پافشاري پيامبراكرم(ص) نسبت به رحمت و مهرورزي با ديگران پي‌مي‌بريم، چه فرموده است : «سوگند به آنكس كه جانم بدست اوست تنها مهربانان به بهشت راه مي‌يابند.» زيرا انسان مهربان، كسي است كه با خويشتن خويش از در آشتي درآمده و به ثبات و پايداري در زندگي رسيده و در محيط و با همسايگان و خويشان و پدر و مادر و اعضاي خانواده‌اش در نوعي آشتي و مصالحه زندگي مي‌كند.

خداوند متعال در سوره الروم مي‌گويد : «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره الروم ـ21)(و از نشانه‌های او اينكه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفريد تا بدانها آرام گيريد و ميانتان دوستی و رحمت نهاد آری در اين [نعمت] برای مردمی كه مي‌انديشند قطعا نشانه‌هايی است.)

دوم : اسلام دين محبت و مهرورزي :

هيچ ديني همچون اسلام، نويدبخش سعادت پيروان خود نيست ؛ از نظر اجتماعي، عنوان محبت را مطرح مي‌سازد و آنرا بمثابه كنه دين و حقيقت و جوهر آن معرفي مي‌كند. عشق و دوستي در راه خدا و نفرت و دشمني براي خدا، بيانگر توحيد و نفي شرك از شالوده‌ها و اصول اين دين بشمار مي‌رود. لذاست كه رواياتي كه دوستي و عشق را خود دين معرفي مي‌كنند به فراواني مطرح شده‌اند ؛ در اين راستا از امام محمدباقر (عليه‌السلام) روايت شده كه فرمود : «مگر دين جز محبت است؟» و خداوند متعال مي‌فرمايد : «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (سوره الحجرات ـ7) (...[خدا] ايمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانيد و آن را در دلهای شما بياراست.) و نيز مي‌فرمايد : «إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّهُ» (سوره آل‌عمران ـ31) (اگر خدا را دوست داريد از من پيروی كنيد تا خدا دوستتان بدارد.)

بنابراين دوستي براي خداوند متعال پايه و محور زندگي انسان مسلمان و شالوده همه محبت‌ها و دوستي‌هاي ديگر است لذا حتما بايد از هر دوستي و محبّت ديگري در زندگي وي، شديدتر و بيشتر باشد. اين دوستي فراتر از همه دوستي‌ها و در عين حال سرچشمه همه دوستي‌هاست. دوستي و محبتي است كه عاطفه آدمي را شكل مي‌بخشد و براي خدا و در راه خدا به آنكس كه خدايش فرمان مي‌دهد و دوستي‌اش ادامه دوستي و عشق به خداست، دوستي و محبّت مي‌ورزد و با دشمني و خصومت نسبت به دشمنان خدا قرين مي‌شود زيرا دوستي با خداوند متعال هرگز با دوستي با دشمنان خدا، يكجا گردهم نمي‌آيد ؛ هواداري و دوستي خداوند متعال با هواداري از دشمنان خدا سنخيّتي ندارد و محبّت انسان به خدا و در راه خدا نيز نمي‌تواند بركنار از دشمني و خصومت و برخوردي منفي با دشمنان خدا باشد...:«قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِيَ اللّهُ بِأَمْرِهِ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (سوره التوبه ـ24) (بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی كه گرد آورده‌ايد و تجارتی كه از كسادش بيمناكيد و سراهايی را كه خوش مي‌داريد نزد شما از خدا و پيامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشيد تا خدا فرمانش را [به اجرا در]آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمايی نمی‌كند.)

بدينگونه است كه محبّت براي خدا بايد فراتر از محبت آدمي به فرزندان و پدر و مادر و كار و كاسبي‌اش باشد : «وَالَّذِينَ آمَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلّهِ» (سوره البقره ـ 165) (ولی كسانی كه ايمان آورده‌اند به خدا محبت بيشتری دارند.)

اين محبت همچون اطاعت و فرمانبري، قاطع، مطلق و بي هيچ قيد و شرط، مؤثر و بنيادي است. خداوند متعال مي‌گويد :« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ» (سوره النساء ـ59) (اي كساني كه ايمان آورده‌ايد، خدا را اطاعت كنيد و پيامبر و اولياي امر خود را [نيز] اطاعت كنيد.)

بدين ترتيب اطاعت از اولياي امر پس از رسول خدا در پيوند با اطاعت از خدا و رسول قرار مي‌گيرد و حكم همان اطاعتي را دارد كه براي خدا و رسول بر مؤمنان فريضه شده و پس از رسول خدا نيز به اولياي امر انتقال مي‌يابد.

بنابراين محبت به رسول‌خدا(ص) و اولياي امور پس از آنحضرت (ص)، در واقع شاخه‌اي از محبت به خداوند متعال است. از رسول خدا(صلي‌الله عليه و آله وسلم) روايت شده كه فرموده است : «سوگند به آنكه جانم به دست اوست كسي از شما ايمان نياورده مگر مرا بيش از پدر و مادر و فرزندانش دوست داشته باشد.» در ادامه محبت به رسول‌خدا (ص)، محبت به اهل بيت (ع) او و سپس اولياي امر قرار

مي‌گيرد.

برترين سرچشمه‌هاي محبت در دل آدمي، محبت به خدا و براي خدا و دوستي متقابل با ديگران است. در اين رابطه از امام محمدباقر (عليه‌السلام) روايت شده كه فرمود : «اگر خواسته باشي بداني كه خيري در تو وجود دارد به قلب خود نگاه كن و ببين اگر اهل طاعت خداوند عزوجل را دوست مي‌دارد و با معصيت‌كارانش دشمني مي‌ورزد بدان كه در تو خير هست و خداوند ترا دوست مي‌دارد ولي چنانچه با اهل طاعت خداوندي دشمني مي‌ورزد و معصيت‌كارانش را دوست مي‌دارد بدان كه خيري در تو نيست و خداوند نيز ترا دوست نمي‌دارد و آدمي همراه با آني است كه دوست مي‌دارد.»

بنابراين محبت براي خدا و دشمني براي خدا، معيار و مقياس دقيقي براي شناخت خلوص و پاكي دلها براي خداوند متعال است.

و براي همه اينهاست كه محبت انسان به برادر ديني‌اش، نشان از محبت و دوستي او به خدا دارد ؛ در زندگي آدمي چيزي برتر و بهتر از آن نيست كه براي خدا دوست بدارد و براي خدا دشمني ورزد و براي خدا ببخشد و براي خدا بازدارد و اگر چنين شد و اينها همه در دل انسان مسلمان شكل گرفت، نشانه‌اي است كه توحيد خالص را به قلبش مي‌نشاند و دلش را براي خداوند متعال پاك و خالص مي‌گرداند. از رسول خدا(صلي‌ا‌ عليه و آله وسلم) آمده كه فرموده است : «دوستي و محبت مؤمن نسبت به مؤمن از برترين شاخه‌هاي ايمان است ؛ بدانيد هركس براي خدا دوست داشت و براي خدا دشمني ورزيد و براي او بخشيد و براي او بازداشت، از برگزيدگان خداوند است.»

عوامل الفت و محبت :

مي‌دانيم كه در شخصيّت مؤمن، اصل الفت و محبت نسبت به ديگران است و نفرت و كين نسبت به ديگران (جز دشمنان خدا) در شمار اخلاق مؤمن نيست و ويژگي فاسقان و نابكاران است.

امام جعفرصادق (عليه‌السلام) در روايتي، كشش قلب مؤمن نسبت به برادر مؤمنش را با دوري دلهاي فاسقان از يكديگر مقايسه كرده مي‌فرمايد : «نزديكي و الفت دلهاي نيكان در ديدار با يكديگر حتي اگر دوستي خود را بر زبان نياورند چون سرعت بارش آسمان بر آبهاي رودخانه‌هاست و دوري دلهاي نابكاران در ديدار با يكديگر حتي اگر دوستي خود را بر زبان جاري كنند به دوري چارپايان از همدلي و مهرورزي با يكديگر به رغم سر بردن در يك آخور به مدتي طولاني است.»

وقتي دلها، الفت مي‌گيرند و مهر و محبت به هم مي‌ورزند خداوند متعال بركات و توفيق خود را نثارشان مي‌سازد ولي هنگامي كه تفرقه و نزاع و درگيري حكمفرما شود و بر روابط چيره گردد خداوند بركات خود را دريغ مي‌دارد و تأييدات و توفيقش را از آنان سلب مي‌كند. اي بسا در اشاره به همين نكته است كه در حديث شريفي از رسول خدا(ص) آمده است : «يدا‌ مع الجماعة» و «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (دست خدا همراه با جمع است.) و (جماعت رحمت و تفرقه عذاب است.)

اسباب محبّت :

اسلام در راستاي توجه جدّي به بناي جامعه الگويي كه مهر و محبّت بر آن حكمروا باشد، ويژگي‌هايي را مطرح ساخته كه به فراهم آوردن محبت و برخورداري از آن در صورت اعمال آنها مي‌انجامد. ما خلاصه‌وار به شماري از اين ويژگي‌ها اشاره مي‌كنيم :

1ـ حُسن نيّت :

نيّت و خواست قلبي، تأثير بسزايي در اعمال و رفتار آدمي دارد كه خود متوجه آنها نيست. از جمله نتايج و پيامدهاي آن فراهم آمدن محبت ميان مردم است. از اميرمؤمنان علي (عليه‌السلام) روايت است كه فرمود :«هركس نيّتش پاك شود پاداشش افزون و زندگيش سعادتمند گردد و مودّتش واجب شود.»

2ـ خوش گماني به مردم :

از اخلاق والا و پسنديده آدمي، خوش‌گماني به مردم و حمل [گفتار و كردار و رفتار] آنها بر وجه درست است ؛ اين كار محبت و مهرباني بدنبال دارد ؛ از امام علي (عليه‌السلام) روايت شده كه فرمود : «هركس به مردم خوش‌گمان شود، محبت ايشان را بدست آورد.»

3ـ حسن معاشرت :

خوشرفتاري و معاشرت نيكو با همراهان، محبت بدنبال دارد. از امام علي (عليه‌السلام) است كه فرمود : «خوش‌رفتاري و مصاحبت نيكو، محبت دلها را مي‌افزايد» و نيز : «با حُسن معاشرت، محبت‌ها تداوم مي‌يابد.»

4ـ خوشرويي :

به معناي روي خوش نشان دادن و برخورد خوب داشتن است و از امام علي (عليه‌السلام) روايت شده كه فرمود :«خوشرويي، تور شكار محبّت است.» يعني كه مي‌توان با لبخند و بشاش بودن، محبت شكار كرد.

5ـ اخلاق نيكو :

كه در واقع حالتي رواني است كه كردارهاي آدمي به سادگي از آن صادر مي‌شود ؛ گفته شده است كه اخلاق نيكو، خير دنيا و آخرت را بدنبال دارد زيرا خير و سعادت صاحب خود را يكجا گرد مي‌آورد. در حديث نيز آمده است : «از صفات ديندار‌ان، اخلاق نيكوست.»

6ـ نرمخويي با ديگران :

نرمخويي همان ملايمت و نقطه مقابل خشونت و تندخويي است. در حديث آمده است : «نرمخويي نيمي از زندگي است.» و از اميرمؤمنان (ع) آمده كه فرمود : «نرمي و گشاده‌دستي آدمي، او را براي دشمنانش نيز دوست داشتني مي‌سازد.»

7ـ فروتني :

از امام رضا (عليه‌السلام) در تعريف فروتني و تواضع آمده است : «فروتني آنست كه به مردم همان را دهي كه دوست داري به تو بدهند.» و از امام علي (عليه‌السلام) روايت شده كه فرمود : «سه چيز است كه

محبت بدنبال مي‌آورند ؛ اخلاق نيكو، نرمخويي و فروتني.»

8 ـ گشاده دستي :

از مهمترين عوامل جلب محبت، گشاده دستي است. از اميرمؤمنان علي (عليه‌السلام) آمده است : «چيزي چون گشاده دستي و نرمخويي و اخلاق نيكو، محبت را جلب نمي‌كند.» نيز از آنحضرت(ع): «گشاده دستي، محبّت مي‌آورد.»

9ـ اظهار محبّت به مردم :

از جمله برجسته‌ترين عوامل كسب محبت ديگران، اظهار محبت و دوستي به ايشان است. طبيعي است هركس نسبت به ديگران دوستي ورزد آنها نيز دوستي‌اش مي‌ورزند و خواهان او مي‌شوند ؛ از امام باقر (عليه‌السلام) نقل شده كه فرمود : عربي از بني تميم به حضور پيامبر(ص) رسيد و از ايشان خواست تا او را سفارشي كنند. آنحضرت(ص) از جمله به وي فرمودند :«مردم را دوست بدار تا ترا دوست بدارند.»

سوّم : اسلام دين برادري :

در ميان پيوندهاي متقابل مردم با يكديگر، برادري يالاترين مرتبه نزديكي و الفت است و تعبير رابطه ميان مؤمنان به برادري، خود گوياي عمق اين پيوند

است.

خداوند متعال مي‌فرمايد :«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (سوره الحجرات ـ 10) (در حقيقت مؤمنان با هم برادرند.)

و از امام جعفرصادق (عليه‌السلام) روايت شده است :«مؤمن برادر مؤمن و چشم و راهنماي اوست. خيانتش نمي‌كند، ستمش روا نمي‌دارد، فريبش نمي‌دهد و پيمانش را نمي‌شكند.»

پيامبراكرم (ص) نيز فرمود : «مؤمنان با يكديگر برادرند و خونشان برابر و در برابر ديگران همدست و همصدايند.»

بدين ترتيب مي‌توان نتيجه گرفت شالوده‌اي كه اصل مسؤوليت اجتماعي بر آن استوار مي‌شود، وحدت امت است كه همچون يك پيكر : چو عضوي بدرد آورد روزگار ـ دگر عضوها را نماند قرار.

افراد اين امت [امت اسلامي]، عضو يك خانواده هستند و همبستگي و همكاري و همدلي اعضاي خانواده شامل حال آنها نيز مي‌شود.

از امام زين‌العابدين (عليه‌السلام) روايت شده كه به "الزهري" فرمود : «اي زهري! چرا مسلمانان را به منزله خانواده خويش درنظر نمي‌گيري و بزرگشان را همچون پدر، كوچكشان را چون فرزند و همسالانشان را چون برادر خويش نمي‌انگاري؟»

اين تصور وجداني از امت، مستلزم آنست كه جامعه براساس احساس مسؤوليت، همبستگي، همدلي و همياري استوار شده باشد ؛ چنين جامعه‌اي همبسته و يكدل و پيوسته به يكديگر است و هركدام از اعضاي آن به

همان‌گونه که مسؤوليت خويش و مسؤوليت نيازهاي خويش را برعهده دارند، مسؤوليت ديگران را نيز برعهده مي‌گيرند.

انسان مسلمان با دشواري‌ها و موانع مسووليت‌هاي کار و زندگي خويش يکه و تنها روبرو نمي‌شود ؛ اين مسؤوليت‌را همه مسلمانان باتفاق برعهده دارند. هر مسلماني مسؤول يکايك مسلمانان است و هر مسلماني اين حق را بر گردن يکايك مسلمانان دارد که در برابر مسؤوليت‌ها و مشکلات و گرفتاري‌هايي که با آنها روبرو مي‌شود از آنها باري جويد و از حمايتشان برخوردار شود و البته به همان ميزان مسؤوليت ديگران را نيز برعهده مي‌گيرد.

با مراجعه به متون اسلامي مربوطه خواهيم ديد که مسئله حقوق و مسؤوليت‌ها از جمله برجسته‌ترين مسايل در ساختار امت در شالوده و در شکل‌گيري آن بشمار مي‌رود.

بنيادهاي عاطفي مسؤوليت :

پيش از اين ديديم که مسؤوليت در جامعه اسلامي براساس احساس تکليف شرعي شکل مي‌گيرد حال آنکه در جوامع معاصر کنوني مسؤوليت‌ها بر دوش دولت قرار مي‌گيرد و از هرگونه مضمون رواني تهي مي‌گردد و انسان نيز در اين جوامع از احساس مسؤوليت خويش مجرّد مي‌گردند.

ولي اسلام ـ همچنانکه گفتيم ـ در بناي جوامع، به عواطف و احساسات نقشي اساسي مي‌بخشد و مسؤوليت‌پذيري فرد مسلمان را نشانه درستي کار و عدم مسؤوليت‌پذيري را نشان بيماري جامعه تلقي مي‌کند.

البته مسؤوليت‌پذيري دولت در برابر امت نيز چيزي از بار مسؤوليت افراد نمي‌کاهد ؛ پيامبراکرم(ص) در همين راستاست که مي‌فرمايد :« همگي چوپانيد و همگان مسؤول گله خويش هستيد.»

همچنين ايشان (ص) مي‌فرمايند : «هرکس بشنود که کسي مسلمانان را به ياري طلبيده ولي به ياري‌اش نشتابد، مسلمان نيست.»

بدين ترتيب مسؤوليت ياري رساني به مسلمان و حمايت و کمك به او در صورت نياز به هيچ عنوان از دوش ديگر مسلمانان ساقط نمي‌شود و در صورتي که يکي از مسلمانان به دليل شرايط اضطراري درخواست کمك کرد مسؤوليت ياري‌رساني متوجه تمامي مسلمانهاست. اين حالت منحصربفردي از مسؤوليت همگاني و عمومي در برابر امت است که در اصول فقه از آن به عنوان "واجب کفايي" ياد مي‌شود. "واجب کفايي" شامل همه مسلمانان مي‌گردد و تا هنگامي که يکي از مسلمانان نسبت به انجام آن اقدامي نکرده باشد بر دوش همه مسلمانهاست ؛ در حديث هم آمده است : «پرستش خداوند، به چيزي بهتر از اداي حق مؤمن نيست.»

رويارويي با مشکلات و اختلاف‌ها :

اسلام با مشکلات و اختلافهايي که ممکن است ميان برادران و دوستان پيش آيد، به دو شيوه برخورد

مي‌كند:

* پيشگيري پيش از وقوع.

* و شيوه حل اختلاف‌ها و از ميان برداشتن حساسيّت‌ها پس از وقوع.

1ـ پيشگيري :

از امام علي (عليه‌السلام) آمده است كه فرمود : «هركس برهرخطايي، برادرانش را بازخواست كند، شمار دوستانش كاهش پيدا مي‌كنند.»

و نيز فرمود (ع) : «برادرت را با آنچه هست، تحمّل كن و در سرزنش وي زيادروي مكن كه كينه و نفرت بدنبال مي‌آورد.»

ترديدي نيست كه سعه صدر و گنجايش داشتن در برخورد با دوستان و برادران از مهمترين عوامل پيشگيري از مشكلات است ؛ راه درست و اصولي رويارويي با آنها نيز در چشم‌پوشي، تسامح، گذشت، بردباري و سعه صدر در برخوردها و تحمل خطاها و لغزش‌هاي ديگران است ؛ پيامبرخدا(ص) نيز فرموده است : «نيمي از مؤمن، چشم‌پوشي است.»

و از امام علي (عليه‌السلام) آمده كه فرمود : «از والاترين اخلاق بزرگواران، چشم‌پوشيدن از دانسته‌هاي خويش است.»

2ـ شيوه درمان :

مهمترين ابزار در درمان اختلاف‌هاي ميان برادران و دوستان از نظر اسلام،

آنست كه ديگران براي حل اختلاف‌ها و از ميان برداشتن حساسيّت‌ها به ميانجيگري بپردازند. در اين رابطه پيامبراكرم (ص) مي‌فرمايد : «اصلاح ذات‌البين از عموم نماز و روزه برتر است.»

و نيز مي‌فرمايد(ص) : «پس از اقامه فرايض، هيچ كاري بهتر از آشتي دادن مردم با يكديگر و ميانجيگري يعني گفته نيكو و آرزوي نيكو، نيست.»

و از مولاي متقيان علي (عليه‌السلام) در سفارش به فرزندش امام حسن (ع) آمده است :«اگر دوست و هم‌كيشت تماسش را با تو گسست، تو پيوندت را با وي بيشتر استوار كن و چون ديدي كه پيمانش را با تو شكست، تو بر لطف و نزديكيت بيفزاي و گرمتر از پيش با او دم از مهر و وفاداري بزن و هرگاه دريافتي كه آدمي خسيس است تو با وي از در بخشش درآي و چنانچه پی بردي كه تندي و دوري مي‌ورزد تو بردباري پيشه گير و روي خوش به او بنماي بديهاي او را ببخش و پوزشهايش را بپذير...» (نهج‌البلاغه، نامه شماره31 به فرزندش حسن بن علي عليه‌السلام ـ صفحه 403 نسخه صبحي الصالح ـ ترجمه آقاي محسن فارسي ـ م.)

وقتي يكي از طرفين اقدام به صلح با ديگري كند و دست آشتي دراز نمايد ولي ديگري پاسخي به آن نمي‌دهد و دست خود را پس مي‌كشد، اين نهايت پستي و از جمله زشت‌ترين كارهاست ؛ در اين مورد امام جعفرصادق(عليه‌السلام) مي‌فرمايد : «ملعون است، ملعون است كسي كه برادرش براي آشتي قدم پيش

مي‌گذارد ولي او پاسخش نمي‌گويد.»

ما وظيفه داريم بخاطر داشته باشيم اسلام به ما آموخته كه حتي دشمن خود را دوست بداريم و به بهترين روش با او گفتگو كنيم تا او را در بُعد عملي و در واقعيت خارجي، به دوستي صميمي و يكدل تبديل سازيم چنانكه خداوند متعال نيز در قرآن مجيد مي‌فرمايد : «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (سوره الحجرات ـ 10) (در حقيقت مؤمنان با هم برادرند...) سپس مي‌افزايد : «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»

(پس ميان برادرانتان را سازش دهيد.)

و از امام جعفرصادق (ع) آمده است : «مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنماي اوست و خيانتش نمي‌كند، ستم بر او روا نمي‌دارد و فريبش نمي‌دهد و با او خلف وعده نمي‌كند.»

پيامبرخدا (ص) نيز فرموده است : «هركس به مسايل مسلمانان بي‌توجه گردد، مسلمان نيست.»

تعميم روح برادري و محبت ميان بخش هاي امت :

ترديدي نيست كه هر مؤمن صادق و با ايماني با تمام وجود آرزو مي‌كند كه امت و جامه‌اش را متحّد، همبسته و بدور از درگيري‌ها و نزاع‌ها و بركنار از فرقه‌گرايي‌هاي تنگ‌نظرانه و فاقد مهر و محبت و تسامح و مداراي اسلامي ببيند.

هيچ ترديدي نيست كه همه مجاهدان آگاه و مخلصان اميدوار، آرزو دارند كه جوامع امت خود را سرشار از محبت و برادري و انواع همكاري‌ها و همياري‌ها و بسان عاملان الهي درهرجا «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنيَانٌ مَّرْصُوصٌ» (سوره صف ـ4) (صف در صف چنانكه گويى بنايى ريخته شده از سربـاند جهاد مـكنند.) بيابند و چشم انتظار كوشش‌ها اقدامات مركز يا مجمعي از سوي علماي امت براي رويارويي با فتنه‌ها و ترفندهاي دشمنان در اين مرحله حساس هستند.

كوششي براي كاشت و پرورش روح اخوّت و احياي روابط صادقانه در جوامع ما بر پايه برادري و در راه خدا و محبت براي خدا.

بنابراين مسؤوليت شرعي همه ما پاسداري از اين دين در برابر يورش‌ها و شبيخونها و دور ساختن خود و محيط و جامعه خود از تعصب‌ها و عصبيت‌ها و تكفيرها و نيز تلاش و كوشش مجدانه در گرايش‌ها و گفتمان‌ها و مقابله با منحرفان و نفوذي‌هايي است كه با شعارها و اعمال توهين‌آميز نسبت اسلام و مسلمانان و به سود مستكبران و اهداف و آماج‌هاي ايشان در جهت متفرق ساختن امت مي‌كوشند.

همچنانكه علماي مخلص ما نيز بايد نقش خود را در ترسيم اولويت‌هاي مرحله و روشنگري ميان مردم پيرامون خود در جهت مشاركت همگان در حفظ منافع و مصلحت و وحدت امت و اولويت گفتمان‌ها، انديشه‌ها و شيوه‌هاي فعاليت‌و گامهاي مورد نياز، ايفا نمايند.

امروزه جمهوري اسلامي ايران به رهبري مقام معظم رهبري حضرت آيةا خامنه‌اي و با شخصيت مؤثري چون

دكتر محمود احمدي‌نژاد بحمداﷲ تعالي با تمام امكانات و توانايي‌هاى خود به تحكيم و تقويت اين اصل ـ كه امام خميني(قدس سره) آنرا احيا كرد و بدان اولويت بخشيد ـ مي‌كوشد.

ايده‌ها و انديشه‌هاي اين امام بزرگ (قدس سره) كه خود سر تا پا اسلام مجسّم و سرشار از اسلام بود، همچنانكه ديديم در حجم و اندازه اسلام ـ تمامي اسلام و نه يك مذهب يا گروه خاصي ـ بود ؛ او امت را در تمامي عناصر تشكيل‌دهنده آن مي‌ديد و طبق ديدگاههاي او، اهل سنت و شيعيان يك اسلام را تشكيل مي‌دادند و براي دشمناني كه مترّصد آنها هستند و تفاوتي ميان اين يا آن مسلمان قايل نيستند، هدف واحدي را تشكيل مي‌دهند ؛ ايشان در اين باره مي‌فرمايند : «آنهايي كه درصدد ايجاد تفرقه ميان برادران اهل سنت و شيعه برمي‌آيند به سود دشمنان اسلام عمل مي‌كنند و توطئه مي‌چينند و بدنبال تحقق چيرگي دشمنان اسلام بر مسلمانان هستند ؛ ما بايد هُشيار باشيم و... و بدانيم كه حكم "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ"، حكمي الهي است. آنها با يكديگر برادرند و ميان ايشان پيوندي جز برادري وجود ندارد و ما همه مكلفيم كه همچون برادر با يكديگر برخورد كنيم و برادران اهل سنت و شيعه نيز بايد از هرگونه اختلافي بپرهيزند. امروزه اختلاف‌هاي ما تنها و تنها به سود كساني است كه نه به مذهب شيعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفي و نه به هيچ فرقه ديگري ...» [برگردان سخنان امام (ره) از متن ترجمه شده به عربي]. امام (قدس سره) با بينش و درك خود از اسلام بخوبي ميزان اهميت وحدت در نزديك شدن و الفت مسلمانان به همديگر را دريافته بود لذا در وهله نخست به عنوان مرجع تقليد و در وهله بعد به عنوان ولي امر مسلمين و رهبر آنها ـ در آنزمان ـ اقدام به صدور فتواي شرعي مربوط به حج فرمود كه مفاد آن گوياي حرمت اقامه نماز جماعت در اماكني جز مكان اصلي و شرعي درنظر گرفته شده در مكه مكرمة و ديگر اماكن حجّ بود ؛ اماكن اصلي نماز جماعت نيز چنانكه مي‌دانيم بيت‌اﷲ الحرام و مساجد عمومي پيرامون آنست. اگر حجاج در پي اقامه نماز جماعت باشند بايد همراه با جماعت مسلمانان نماز بگزارند و پشت سر ائمه مساجد مكلف به اقامه نماز ـ با هر مذهبي كه داشته باشند ـ بايستند ؛ از اين حكم يا فتوا اين نتيجه گرفته مي‌شود كه اقامه نماز (جماعت) در منازل، هتل‌ها و سكونت‌گاهها [ي حجاج] حرام است. هدف اساسي حكم شرعي صادره از سوي امام خميني (قدس سره)، نشان دادن وحدت امت اسلامي بود. امام خميني (ره) با اين فتوا، مسئله "تقريب" را از چارچوب نظري به چارچوب عملي كشاند و از ايشان كه به عنوان حاكم و ولي امر مسلمين از اين قدرت برخوردار بودند، جز اين انتظار نمي‌رفت.

همين راه و رسم را امروز مقام معظم رهبري حضرت آيةاﷲ خامنه‌اي نيز دنبال كرده و آنرا در شمار اولويت‌هاي خود قرار داده‌اند.

در ماههاي اخير نيز شاهد تأثير و انعكاس فتواي صادره از سوي ايشان در سطح كل امت در خصوص حرمت اهانت به همسر پيامبراكرم(ص) بانو عايشه و نيز حرمت اهانت به شخصيت‌هاي برجسته متعلق به برادران اهل سنت، بوديم.

بسياري از علما و شخصيت‌هاي ديني در ديگر نقاط جهان و مطبوعات و رسانه‌هاي محلي و جهاني و سايت‌هاي اينترنتي نيز از آن استقبال كردند همچنانكه امت شاهد تأثير مثبت آن بر جناب "دكتر شيخ احمد الطيب" شيخ الازهر بود كه اين فتوا را ستود و آنرا برخاسته از دانش درست و درك عميق اهميت اقدامات فتنه‌انگيزان و مفسده‌جويان و علاقه شديد به وحدت مسلمانان دانست و بر نفي تكفير شيعيان و اعلام اينكه در نجف اشرف پشت سر ايشان به نماز خواهد ايستاد، انگشت گذارد.

سرانجام مسؤوليت دلسوزان امت :

1ـ از زنان و مردان دلسوز اين امت انتظار مي‌رود كه به تكليف شرعي در تطبيق مفهوم وحدت اسلامي به عنوان واجب عيني خود در پاسداري از اسلام و مسلمانان و اولويت بخشيدن به اينكار در حركت‌ها و فعاليت‌هاي روزانه خود و از اين خاستگاه كه وحدت امت بيانگر يكي از مهمترين ويژگي‌هاي اين امت است و فارغ از اين وحدت نمي‌تواند مدعي هويّت كامل خويش گردد، عمل كنند ؛ اين وحدت بايد اساس چنگ انداختن به ريسمان محكم الهي (بمثابه هر راه پاك و درستي كه به خدا منتهي مي‌شود) و با تأكيد بر وحدت اصل، وحدت خلق و وحدت هدف و وحدت شريعت و راه و ورود جمعي به چارچوب تسليم كامل در برابر خداوند و با كاشتن اخلاق والا و عناصر فداكاري و گذشتن از منافع تنگ‌نظرانه در راه هدف بزرگ وحدت، صورت پذيرد. و در عين حال همه معيارها و ملاك‌هاي تفرقه از جمله : زبان، مليّت، ميهن، طايفه و رنگ را به يك سو نهد و بر معيارهاي بشري علم و تقوا و جهاد و نيز لزوم جستجوي نقاط اشتراك و بكارگيري منطق سليم يعني منطق گفتگوي آرام و علمي و ... انگشت گذارد.

2ـ برخورداري از ديدگاههاي روشن در رويارويي با اين كارزار و مشخص كردن دوست و دشمن و روشن‌سازي آن براي امت ـ اعم از جوامع اسلامي و عربي ـ با بهره‌گيري از تمامي ابزارهاي در اختيار و....

3ـ احياي اعتماد به نفس در ميان تمامي افراد امت و بازگرداندن روح عزت و سربلندي مسلمانان و تثبيت توكل به خداوند متعالي كه به امت وعده ياري و پيروزي و عزت داده است : «إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (سوره محمد ـ7) (...اگر خدا را ياری كنيد ياريتان مي‌كند و گامهايتان را استوار مي‌سازد.)

4ـ علما آنچنانكه در سخنان پيامبراكرم (ص) آمده است وارثان پيامبرانند لذا آنها بايد نقش حقيقي و مهم خود را بازيابند و مسؤوليت‌هاي شرعي خود در فراخواني به وحدت را بر دوش گيرند.

آنها سوپاپ اطمينان اين امت هستند و مسؤوليت وحدت بخشيدن به امت و توجيه و رهنموني آنرا همچنان بر دوش دارند. در اين راستا از پيامبراكرم (صلي‌ا عليه و آله وسلم) آمده است كه فرمود : «علما چون ستاره‌هاي آسمانند كه در تاريكي‌هاي زمين و دريا، بدانها راه مي‌جويند و پنهان ماندن ستارگان اي بسا گمراهي رهروان را درپي داشته باشد.»

آنها (علما) اساس رهنموني امت و وحدت آن و پرده گرفتن از توطئه‌ها و نقشه‌ها و دسيسه‌هاي شوم استعمارند و مسؤوليت تغيير اين حالت مذهبي و فرقه‌اي به وضع طبيعي خود از طريق جستجوي عرصه‌هاي مشتركي كه همه مذاهب اسلامي براي پاي‌بندي دارند و بسيار زياد هم هستند، برعهده ايشان است.

5 ـ تحكيم ارزش‌هاي رحمت و محبت و برادري در جوامع ما بمثابه اساس سامان‌بخش رفتارها و از اين نظر كه در صورت حضور اين ارزش‌ها، الفت معنوي و انگ الهي نيز كه خداوند جهانيان آنرا بر دل برگزيدگان خلق خويش و بندگان پرهيزگارش مي‌اندازد، حضور پيدا خواهد كرد.

اين ارزش‌ها، حيات بخش روح و روح‌بخش حياتند ؛ چراغ راهنماي دنيا و گوهر دين و مسؤوليت ايمان و تعهد بشمار مي‌روند.

اين ارزش‌هاي والاي انساني و اسلامي نيروي محركه‌اي است كه همچنانكه مي‌بينيم در آنسوي هر فداكاري و ايثار مقدس مجاهدان بزرگ ما در سرزمين فلسطين و لبنان قرار دارد و همان نيرويي است كه توده‌هاي مقاومت در فلسطين و لبنان را به رغم تمامي ويراني‌ها و ضربات مهلك ماشين جنگي دشمن صهيونيستي، توان ايستادگي و مقاومت بخشيده است.

اين بزرگ مردان و زناني كه دلهايشان در عشق و محبت خدا و رسول و اهل بيت او (ع) شعله‌ور گرديده است بي‌محابا عرصه‌هاي فداكاري‌ها و ايثارهاي بي‌حساب را درنورديدند.

والسلام عليكم و رحمة ا و بركاته.